

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / بیمه / جلسه ۱ (۱۲/۷/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه

موضوع بحث امروز: پیشینه بیمه – بیمه بالمعنى الاعم و المعنى الاخص

مقدمه

همیشه این احساس در انسان بوده است که زندگی او توأم با مصائب و مشکلات گوناگون بوده و او به تنهایی قادر به رفع آن گرفتاریها و مصائب نیست و لذا در هر زمان به یک چیزی پناه برده تا مقداری از بار گرفتاریها را کم کند و کاهش بدهد، از این رو سراغ بعضی از راهکارهایی رفته که در حقیقت بیمه‌ی آن زمان به حساب می‌آمده است و لذا بحث بیمه ریشه عقلایی دارد و امری است که به مرور زمان به تکامل و به بیمه امروزی رسیده و چنانکه تطور این بحث نشان می‌دهد، موضوع بیمه در آینده نیز گسترش و در روش‌ها و موضوعات بیمه افزوده خواهد شد.

آنچه که در این بحث لازم است، تقسیم بیمه بالمعنى الاعم و المعنى الاخص می‌باشد تا آنچه که در مباحث فقهی ذیل مباحث ضمان و کفالت و یا مرتبط با بحث شرکت، ذکر شده و به نوعی تعبیر از بیمه می‌شود، در بحث بیمه وارد و در مسائل بیمه از عموم ادله آنها بهره برد، اسم این قسم را بیمه بالمعنى الاعم می‌گذاریم و قسم دیگر که بیمه به معنای امروزی ان در اذهان شکل گرفته را به بیمه بالمعنى الاخص نام می‌گذاری می‌کنیم.

پیشینه بحث بیمه در فقه اسلامی

در فقه مخصوصاً ذیل مسائل ضمان و کفالت، عناوینی وجود دارد که هرچند ماهیت آنها ضمان می باشد اما هدف و مقصود آنها در حقیقت بیمه می باشد که برخی از آنها را اختصاراً بیان می کنیم.

اول: ضمان الجریره أو الولاء

آنچه از تاریخ به دست می آید، اولین گامی که بشر برای تشکیل بیمه (به معنای اعم) برداشته است تا بتواند گره مشکلاتش را توسط دیگران کم کند، مسئله‌ی ضمان جریره و یا ضمان ولاء است، ضمان جریره این است که انسان می بیند که در طول زندگی گرفتار یک سلسله مشکلاتی می شود و یا در فلان نزاع و کشمکش اجتماعی ممکن است شخصی را از روی خطا و اشتباه بکشد و یا زخمی کند، و از طرف دیگر احساس می کند که به تنهایی نمی تواند از عهده‌ی خسارت و ضمان چنین چیزهایی برآید و لذا با کسی پیمان می بندد و می گوید اگر من بر کسی خسارت و ضرری وارد کردم، تو خسارت مرا به عهده بگیر و بپرداز، و اگر تو به شخصی خسارت وارد نمودی، من خسارت شما را می دهم، و نتیجه اش این است که هر کدام می توانیم از همدیگر ارث ببریم، به این می گویند: «ضمان الجریره یا ضمان الولاء»، این قبل از اسلام هم بوده است و خودش یک نوع بیمه محسوب می شود. بیمه یعنی استمداد از دیگران برای کم کردن خسارت و کم کردن مصائب. این در عهد جاهلیت بود و اسلام هم آن را با یک نوع تصرفی امضا کرده، تصرفش این است که در زمان جاهلیت اگر یکی از این دو نفر می مرد، دیگری مستقیماً از او ارث می برد، و اسلام این را در مرحله‌ی بعد قرار داد، و فرمود وقتی این آدم می تواند از او ارث ببرد که اقوام نسبی و حسبی نباشند. پس اسلام نیز ضمان جریره را تصویب کرده است، منتها آن را در مرحله‌ی بعد قرار داده، یعنی زمانی که اقوام نسبی و حسبی نباشند اینها می توانند از همدیگر ارث ببرند، این اولین قدمی بود که بشر برای تشکیل بیمه قرار داد.

دوم: ضمان العاقله

قدم دومی که بشر برای تشکیل بیمه برداشته، ضمان عاقله بوده است، ضمان عاقله خودش یک نوع بیمه به حساب می آمده است. ضمان عاقله این است که اگر کسی عمداً دیگری را کشت و یا به او جنایت وارد کرد،

خودش ضامن است. اما اگر این کار را از روی خطا و اشتباه انجام داد، یعنی از روی خطا و اشتباه شخصی را کشت و یا جنایتی به او وارد نمود، در قتل و یا جنایت خطا و اشتباه ضمانش به عهده‌ی عاقله است، عاقله هم عبارت است از: عمو، عمو زاده و حتی برادرها و برادر زاده‌ها را هم شامل است.

اشکال: یکی از اشکالاتی که به ضمان عاقله می‌گیرند این است که با اینکه قرآن می‌فرماید: «و لا تزر وازرةٌ وزر أخرى» چگونه اسلام ضمان جریره را امضا کرده، این چه معنا دارد که یکی جنایت کند و دیگری خسارتش را بپردازد؟

جواب: فقهاء در پاسخ فرموده‌اند که بر اساس قاعده «من علیه الغرم فله الغنم» عمو و عمو زاده‌ها از وارثین محسوب می‌شوند و چون وارث هستند، قهراً باید خسارت و ضرری که متوجه او شده، به عهده بگیرند. علاوه بر این، زندگی در آن زمان، زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای بوده است و هر کدام به دیگری وابسته بوده‌اند، بخاطر همین وابستگی، اسلام آن را امضا کرده و الآن هم به قوت خود باقی است. البته عشیره بودن علت محدثه بوده نه علت مبقیه. به بیان دیگر عشیره بودن حکمت حکم است نه علت حکم، تا کسی بگوید الآن که زندگی عشیره‌ای از بین رفته، این حکم چه معنا دارد.

عمده این است که در اینجا یک نوع تبادل است، به این معنا که اگر یک روزی خسارت طرف را می‌پردازند، روز دیگر هم از او ارث می‌برند و وارث او هستند.

علاوه بر این، خسارت را یک نفر نمی‌پردازد، بلکه عمو، عمو زاده و... با همدیگر جمع می‌شوند و با کمک یکدیگر دیه و خسارت را می‌پردازند و در واقع دیه بین دهها نفر پخش می‌شود نه اینکه به گردن یک نفر بیفتد. در مورد صبی هم آمده است که: «عمد الصبی خطأً و یحمله العاقله».

سوم: تعاون العشائری

یکی از راهکارهایی که در آن زمان رواج داشته، این بوده که اگر فردی از فلان عشیره، فرد دیگری را از عشیره‌ی دیگر به قتل می‌رسانید و یا به او جنایت وارد می‌کرد، عشیره‌ی جانی جمع می‌شدند و دیه‌ی مجنی علیه را به عهده می‌گرفتند و او را از قصاص نجات می‌دادند.

چهارم: ضمان الدرک

یکی از ضمان‌ها ضمان درک است، این هم در میان مردم بوده و اسلام هم آن را امضا کرده، ضمان درک خودش یک نوع بیمه بوده است.

مثال: کسی خانه و یا اتومبیل خودش را به دیگری می‌فروشد، مشتری یک نوع نگرانی و اضطراب خاطر دارد و پیش خودش فکر می‌کند که شاید این خانه و یا این اتومبیل مال بایع نباشد، بلکه او را غصب کرده باشد و اگر روزی صاحبش پیدا شد چه کسی خسارت مرا به عهده خواهد گرفت، یک نفر ضامن می‌شود و می‌گوید اگر این خانه و یا اتومبیل مال دیگری بیرون شد، من ضامن پول شما هستم. ضمان درک هم یک نوع بیمه بوده که در میان مردم بوده و اسلام هم آن را امضا کرده است.

به هر صورت بشر همیشه در این فکر بوده است که اگر روزی خسارتی متوجه او شد، چگونه و به چه وسیله‌ای بار این خسارت را از روی دوش خود کم کند، فلذا از این راه‌ها و طرق خواسته مقداری از نگرانی خود را رفع کند. ریشه بیمه در میان مردم بوده، منتها غربی‌ها آن را تکمیل کرده‌اند و به صورت قانون منظم در آورده‌اند، نه اینکه غربی‌ها پدید آورنده‌ی آن باشند.

اصطلاحات و ارکان بیمه

در لغت عرب به بیمه «التأمین» گفته می‌شود و بر همین اساس ریشه لغوی آن اصطلاحات مرتبط با بیمه (التأمین) را نام‌گذاری کرده‌اند که عبارتند از:

- الف) المؤمن، عرب‌ها به اداره‌ی بیمه و بیمه‌گر، می‌گویند: «المؤمن» - به کسر و تشدید میم - یعنی بیمه‌گر.
- ب) المؤمن له - به فتح و تشدید میم - بیمه‌شده، یعنی بیمه‌گزار؛ برخی‌ها هم کلمه «المستأمن» را به جای «المؤمن له» بکار برده‌اند.
- ج) حق التأمین، وجه و مبلغی را که بیمه‌گزار و مستأمن به اداره‌ی بیمه می‌دهد، به آن می‌گویند: «حق التأمین»
- د) المؤمن علیه - به فتح و تشدید میم - یعنی موضوع التأمین، یعنی به جای کلمه‌ی «المؤمن علیه» - به فتح و تشدید میم - می‌توانیم بگوییم: «موضوع التأمین».

ادامه بحث در جلسه آینده ان‌شاءالله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين